

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اشاعه اندیشه‌های جدید با رواج چاپ همراه بوده است. ترویج اندیشه‌ها در میان بخش‌های گسترده‌ای از مردم، به ویژه در میان طبقه‌ای که سواد خواندن داشت، بدون ابزار انتقال آن ممکن نبود. عباس میرزا و همکاران نزدیکش ناگزیر بودند فن‌آوری مناسبی برای تکثیر به خدمت بگیرند و پیداست که در آن زمان هیچ فن‌آوری دیگری کارآمدی چاپ را نداشت. ورود این فن‌آوری به ایران، حدوداً با ورود آن به مصر همزمان بود. نگاهی به سیر تحولات چاپ و نشر در مصر، همانندی آنها را در مواردی با تحولات چاپ و نشر در ایران نشان می‌دهد. محمد علی پاشا، خدیو مصر (۱۲۲۰-۱۲۶۴ ق) که بانی اصلاحات و جنبش نوسازی مصر بود، یکی از نخستین اقداماتش وارد کردن فن‌آوری چاپ به مصر بود. او کسی را به نام عثمان نورالدین به اروپا فرستاد تا در کشورهای مختلف آن قاره سفر کند و به اسرار تمدن غربی پی ببرد. او از ایتالیا و فرانسه کتاب می‌خرید و برای محمد علی پاشا می‌فرستاد تا به دستور او به عربی ترجمه شود. چاپخانه بولاق، در بندر بولاق، نزدیک قاهره آن زمان، که نقش مؤثری در روشن‌گری مصریان و بسیاری از عرب‌زبانان در سرزمین‌های دیگر عرب داشت، در خدمت جنبش ترجمه آثار به عربی قرار گرفت و اندیشه‌های مدرن از راه چاپ انتقال یافت. در هشت سال نخست تأسیس مطبعه بولاق، آثاری در زمینه‌های علوم نظامی،

طب، صنعت، ریاضیات، مکانیک، و برخی از رشته‌های علوم دقیق و تجربی به عربی ترجمه و چاپ شد. گزارش‌هایی که تنی چند از خاورشناسان، نظیر رنو، هامر پورگشتال، بیانکی، هیورث دان از آثار چاپ شده در مطبعه بولاق در نشریه‌های خاورشناسی اروپا چاپ کرده‌اند، نه تنها از لحاظ تاریخ چاپ در مصر، بلکه از جهت تاریخ نشر، تاریخ ویراستاری، تاریخ ترجمه و تاریخ جنبش فکری در مصر، و حتی در نقاط دیگر سرزمین‌های عرب، پر نکته است.^۱

تاریخ بنای مطبعه بولاق را منابع به تفاوت ۱۲۳۵ و ۱۲۳۷ ق ذکر کرده‌اند، که با آغاز فعالیت‌های چاپی در ایران تقریباً مقارن است. عباس میرزا چند تن را برای آموختن فن آوری چاپ به خارج فرستاد و به آنها دستور داد ابزارهای چاپ را بخرند و به ایران بیاورند. یک فرنگی را هم به نام ادوارد برگس^۲ استخدام کرد تا فن آوری چاپ را به ایرانیان آموزش دهد و نخستین چاپخانه را تأسیس کند.^۳ میرزا صالح شیرازی، که بعدها نخستین روزنامه فارسی را تأسیس کرد و انتشار داد، به دستور عباس میرزا به انگلستان فرستاده شد تا فن آوری چاپ را بیاموزد. او در انگلستان در چاپخانه‌ای به کار مشغول شد و پس از آموختن فن چاپ به ایران بازگشت و یک دستگاه کوچک چاپ و ابزارهای لازم برای تأسیس چاپخانه را با کشتی به ایران فرستاد. میرزا صالح سفرنامه‌ای هم نوشته و در این سفرنامه به این ماجرا اشاره کرده و برای چاپ از واژه «باسمه» استفاده کرده و ترکیب‌های لازم را برای چاپ با «باسمه» ساخته است.^۴ میرزا صالح پس از بازگشت به ایران، سفری هم به روسیه کرد و از آن کشور چند دستگاه چاپ خرید و با خود همراه آورد. به‌رغم این اقدامات، منابع موثق، او را بنیادگذار نخستین چاپخانه در تبریز نمی‌دانند که نخستین اثر فارسی در خود ایران، نه اثر فارسی بیرون از ایران، در آن چاپ شد. بنا به مدارک، چاپخانه تبریز را آقا زین‌العابدین تبریزی به دستور عباس میرزا تأسیس کرد. سید حسن تقی‌زاده که ظاهراً نسبت به بنای نخستین چاپخانه حساسیت داشته، ماجرا را از زبان هوتم شیندلر^۵ نقل کرده که در این قضیه فردی مطلع بوده است.^۶

۱. برای اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، نک :

Heyworth Dunne, J., "Printing and Translations under Muhammad Ali of Egypt", *JRAS*, 1940;

رضوان، ابوالفتح، تاریخ مطبعه بولاق، قاهره، ۱۹۵۳.

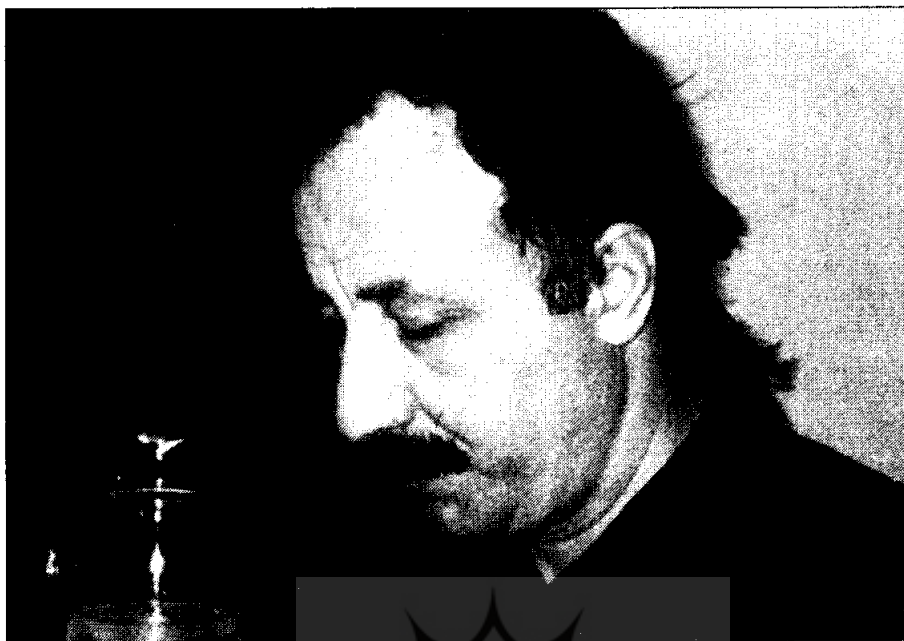
۲. Edward Burgess، در ایران معروف به بزجیس.

۳. تربیت، محمد علی، «تاریخ تأسیس مطبعه»، ارمغان، سال ۱۲، ش ۶ (مرداد ۱۳۱۰)، ص ۳۷۹.

۴. شیرازی، میرزا محمد صالح، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی (تهران، ۱۳۶۲ ش)، ص ۲۳۹-۲۹۲.

5. Houtum Schindler

۶. تقی‌زاده، سید حسن، «چاپخانه و روزنامه در ایران»، کاوه، دوره جدید، سال ۲ (رمضان ۱۳۳۹ / مه ۱۹۲۱)،



● عبدالحسین آذرنگ (عکس از علی دهباشی)

به گفته تقی‌زاده، مطالبی که ادوارد براون درباره تأسیس نخستین چاپخانه در ایران نوشته است، ترجمه مطالب محمد علی تربیت است و با توضیحات شیندلر مطابقت دارد.^۱ نیز گفته شده است که عباس میرزا پیش از بازگشت میرزا صالح به ایران، چند دستگاه چاپ را از روسیه سفارش داده بود و میرزا زین‌العابدین تبریزی را به پترزبورگ فرستاد تا فنون چاپ را در آنجا بیاموزد. او به هنگام بازگشت، دستگاه چاپ و مقداری وسایل و تجهیزات چاپ با خود به همراه آورد که نخستین چاپخانه تبریز با آن ساخته و نخستین کتاب فارسی در خود ایران در آن چاپخانه چاپ شد.^۲ در برخی منابع آمده است که پیش از چاپخانه تبریز، چاپخانه‌ای در شیراز دایر بوده است. این مدعا بنا به مدارکی که فعلاً در دست است صحت ندارد.

بر پایه مدارک موجود، نخستین کتابی که در چاپخانه تبریز به چاپ رسیده، اثری درباره فتوهای جهاد از عالمان شیعه درباره جنگ‌های ایران و روس بوده است. خانابا

۱. تقی‌زاده، همان، ص ۴۱۳ تربیت، همان، ص ۱۵۸.

۲. این مطلب در چند منبع از قول هم نقل شده است. در تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، از حسین میرزای گلپایگانی (تهران، ۱۳۷۸ ش) که اطلاعات آن عمدتاً از حافظه نقل شده، این مطلب آمده است و منابع دیگری هم از آن نقل قول کرده‌اند. تا این زمان اصل این اطلاع بر نگارنده معلوم نشده است.

مشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی ذیل مدخل فتح‌نامه، این توضیح را آورده است: «اولین رساله‌ای است که بعد از ورود مطبوعه از اروپا به تبریز، در آن مطبوعه به طبع رسیده است.» مشار از نویسنده این کتاب نامی نبرده است، اما در همان فهرست ...، زیر مدخل جهادیه، نویسنده را میرزا عیسی قائم‌مقام (میرزای بزرگ) و تاریخ چاپ آن را ۱۲۳۳ ق ذکر کرده است.^۱ محمد علی تربیت از نویسنده فتح‌نامه نام نبرده، اما جهادیه را رساله‌ای به قلم میرزا عیسی قائم‌مقام دانسته است.^۲ مجتبی مینوی هم تردید کرده که فتح‌نامه و جهادیه یک اثرند یا دو اثر متفاوت.^۳ جهادیه از روی نسخه چاپ شده در ۱۲۳۴ ق، به کوشش جهانگیری قائم‌مقامی افست شده است، همراه با مقدمه‌ای از او که این مقدمه هم مشکل را حل نمی‌کند.^۴

درباره آثار چاپ شده پس از این دو، شک و شبهه نیست. مآثر سلطانیه، نوشته عبدالرزاق بیگ دُنبلی (مفتون) شرحی درباره سلطنت فتحعلی شاه قاجار از زمان جلوس او بر تخت سلطنت در ۱۲۱۲ تا ۱۲۴۱ ق است که در همین سال چاپ شده است. تعلیم‌نامه، رساله‌ای است درباره آبله زدن که بخشی از آن ترجمه از نوشته دکتر گرمیک و بخشی دیگر تألیف است و در ۱۲۴۵ ق چاپ شده است. گلستان سعدی هم بعد از اینها چاپ شد. همه این کتاب‌ها با حروف سربی حروفچینی و با دستگاه چاپ دستی تکثیر شده‌اند. این کتاب‌های نخستین، که از ارزش‌مندترین آثار دارای قدمت در تاریخ چاپ هستند، هیچ‌کدام محصول صنعت نشر نیست، و نشر به این معنا که با تخصص و مهارت خود، بر ارزش کتاب بیفزاید و ارزش افزوده آن متمایز از ارزش چاپ باشد، در اینها دیده نمی‌شود. این کتاب‌ها با سرمایه و پشتیبانی دولتی در جهت مقاصد دولتی چاپ شدند. از چگونگی پخش و فروش آنها هم اطلاعی نداریم و از واکنش خوانندگانی که آنها را خوانده و احیاناً تأثیری گرفته باشند، ظاهراً مطلبی در جایی ثبت و ضبط نشده است. از دو عامل مهم و دو محرک اصلی در نشر، یعنی طبقه متوسط دارای درآمد و فراغت نسبی، و سواد کتاب‌خواندن در آن زمان هم اطلاعی نداریم؛ نیز نمی‌دانیم کتاب‌های چاپ شده به ولایات دیگری جز پایتخت رسیده و این تحول

۱. مشار، ج ۲، ص ۱۶۲۴؛ ج ۳، ص ۳۶۵۱. ۲. تربیت، مقالات تربیت (تهران، ۱۳۵۵ ش)، ص ۱۵۸.

۳. مینوی، مجتبی، تاریخ و فرهنگ، ج ۳ (تهران، ۱۳۶۹ ش)، ص ۴۲۹.

۴. جهادیه (تهران، بی تا [البته پیش از ۱۳۵۷ ش]). سید فرید قاسمی در سرگذشت مطبوعات در ایران (تهران، ۱۳۸۰ ش)، ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۶ توضیح بیشتری در این باره آورده و این دو کتاب را موضوعاً متفاوت دانسته است. با این حال، نگارنده تاکنون به مطلبی برنخورده است که نویسنده آن، هر دو کتاب را دیده و مقاله کرده باشد و حکم او بر این استوار باشد.

فرهنگی در ایران بازخوردی داشته است یا نه. به رغم این بی‌اطلاعی، رویدادهای چند سال بعد نشان می‌دهد که چندین شهر کشور از پدیده چاپ استقبال کرده‌اند و این خود نشان می‌دهد که از تحول در زمینه چاپ باخبر بوده‌اند، یا باخبر شده‌اند. ولایات از لحاظ فرهنگی در یک سطح نبودند. وضعیت صنعتی، اقتصادی و به‌ویژه موقعیت ارتباطی آنها در مرتبه فرهنگی آنها مؤثر بود. شهرهایی که دروازه‌های ورود و خروج مسافر و بار بودند، بیش و زودتر از شهرهای دیگر با تحولات دنیای خارج آشنا شدند. تبریز، رشت، بوشهر و کرمانشاه، شهرهای عمده‌ای بودند که صادرات و واردات کشور و آمد و رفت مسافران از طریق آنها و از شهرها و مراکز دیگر سر راه اصلی آنها بود. مدرنیته غربی به‌ویژه با مسافرانی که از این چهار دروازه به کشور وارد می‌شدند، نخستین تأثیرهای خود را به همراه می‌آورد. این تأثیرها روایت‌های یکسانی نداشت. تأثیرها در مسیری که از تبریز وارد ایران می‌شد با رنگ قفقازی و عثمانی، در مسیر رشت با لحن روسی، در مسیر بوشهر با رنگمایه انگلیسی و هندی، و در مسیر کرمانشاه با گرایش‌های عثمانی و عربی درآمیخته بود و آمد و شدها تا پایان عصر قاجار هر چه بیش‌تر افزایش یافت، بر این تأثیرها هم افزوده شد.^۱

مرحله دوم: چاپ در نقاط دیگر

در ۱۲۳۹ ق، حدوداً شش سال پس از عمر چاپ در تبریز، میرزا زین‌العابدین تبریزی که چاپخانه تبریز را به راه انداخته بود، به دستور فتحعلی شاه به تهران احضار و مأمور تأسیس چاپخانه دارالحکومه شد.^۲ گفته شده است در همان ایام کتاب‌های چاپ تبریز را در تهران هم عرضه می‌کردند و بعضی از تاجران ولایات دیگر نسخه‌هایی از آنها را می‌خریدند، و براین اساس حدس زده می‌شود که شبکه‌ای، ولو ضعیف، برای عرضه و فروش کتاب، ایجاد شده بود.^۳ میرزا زین‌العابدین زیر نظر منوچهرخان گرجی (معمدالدوله) که مدیری کاردان بود و به سبب تقریبش به دربار، نفوذ زیادی داشت، به تأسیس چاپخانه دارالخلافه مشغول شد و پس از به راه افتادن چاپخانه، مجموعه‌ای از

۱. تاریخ اقتصادی در دوره قاجاریه و مسیرهای صادرات و واردات کالا به شناخت شهرهایی که سر راه‌های ارتباطی بوده‌اند، کمک می‌کند. نک: اشرف، احمد، موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه (تهران، ۱۳۵۹ ش)؛ عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران، ۱۳۶۲ ش)؛ لمبتون، آ.ک. س.، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی (تهران، ۱۳۷۵ ش). ۲. تربیت، مقالات تربیت، ص ۱۶۰.

3. Albin, Michael, "The Iranian Publishing Industry" *Libri*, vol 36, No 1 (1986), P. 2-3.

کتابهایی که به «چاپ معتمدی» معروف است، چاپ و نشر شد. این کتاب‌ها که سرجمع نسخه‌های چاپ شده آن را ۸۰۰ هزار جلد تخمین زده‌اند^۱ - که البته این رقم را با قید احتیاط تلقی باید کرد - شامل انواعی از کتاب‌هاست که با حمایت دولتی در زمینه‌های مختلف تاریخی، مذهبی و ادبی انتشار یافت و رویداد مهمی در تاریخ فرهنگی ایران و نشانه‌ای از رسانه فرهنگی و ارتباطی جدید در ایران سده ۱۹ است.^۲

شمار چاپخانه‌های دولتی تهران در مدت نسبتاً کوتاهی زیاد شد و در پی آن، تصمیم گرفتند چاپخانه‌های دولتی تهران را زیر نظر منوچهرخان گرجی درهم ادغام کنند. از ادغام اینها چاپخانه دولتی ایران شکل گرفت و تا یک سال پس از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، تا ۱۲۶۵ ق، به کار مشغول بود و آثار بسیاری در این چاپخانه به چاپ رسید.^۳ در پی تبریز و تهران، در شهرهای شیراز، اصفهان، ارومیه، بوشهر، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، گروس، و کاشان چاپخانه تأسیس شد.^۴ مهم‌ترین شهرهای تجارתי ایران در آن زمان، به ترتیب عبارت بودند از: تهران، اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد. عمده مبادله‌های بین‌المللی ایران از این شهرها و از مسیرهای اصلی حمل و نقل، که پیش‌تر به آنها اشاره شد، صورت می‌گرفت.^۵ بر پایه اطلاعات موجود، تا پایان سلطنت محمد شاه در ۱۲۶۴ ق، تعداد چهار چاپخانه در تبریز و دست‌کم چهار چاپخانه در تهران دایر بوده است^۶، اما با اینکه مدتی از عمر چاپ در ایران می‌گذشت، هنوز مؤسسه‌ای انتشاراتی تأسیس نشده بود و در واقع چاپخانه‌ها وظیفه نشر را هم انجام می‌دادند، اما در مقایسه با مطبوعه بولاق مصر، که در آن «محرران» (به اصطلاح امروزی، احتمالاً ویراستاران عمومی) و «مصححان» (به اصطلاح امروزی، ویراستاران ادبی) و غالباً از شیوخ جامع‌الآزهر که زبان منابع ترجمه شده را به دقت بررسی می‌کردند و در مراعات اصول صرف و نحو عربی بسیار دقیق و سخت‌گیر بودند^۷، وظایف تخصصی نشر در چاپخانه‌های نخست ایران انجام نمی‌گرفت.

۱. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (تهران، ۱۳۵۴ ش)، ج ۱، ص ۲۱۵.
۲. برای صورتی از کتاب‌های چاپ شده در تهران، نک: بابازاده، شهلا، تاریخ چاپ در ایران (تهران، ۱۳۷۸ ش)، ص ۱۸ - ۱۹.
۳. میرزای گلپایگانی، حسین، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (تهران، ۱۳۷۸ ش)، ص ۱۶.
۴. تقی‌زاده، «چاپخانه و روزنامه در ایران»، ص ۱۳.
۵. اشرف، احمد، رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه (تهران، ۱۳۵۹ ش).
۶. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (تهران، ۱۳۷۷ ش)، ج ۱، ص ۲۱.
7. Colvin, P., "Muhammad Ali Pasha...", *Libraries and Culture*, vol. XXXIII, No 3, (1998), pp. 251 ff.

اطلاع دیگری که اشاره به آن در تاریخ چاپ لازم است، تذکری است که یکی از پژوهش‌گران دربارهٔ چاپ کتابی با حروف سربی در ۱۲۴۹ ق در همدان داده است: رسالهٔ صومیه، از آخوند ملا محمد حسین در آن سال و در آن شهر منتشر شده است. شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه (ج ۱۱، ص ۲۰۶-۲۰۷) چاپ این رساله را در ۱۲۴۹ ق در همدان متذکر شده^۱ اما این نکته از نظر تاریخ‌نگاران چاپ دور مانده بود، یا به اهمیت این نکته که فن آوری چاپ سربی در آن سال به شهر همدان رسیده است، توجه نکرده بودند. البته اگر معلوم شود کتاب‌های دیگری هم حدود همان سال در همدان به چاپ رسیده است، و مقایسهٔ این کتاب‌ها با هم از وجود چاپخانه‌ای در همدان در آن زمان حکایت کند، در ترتیب شهرهای ایران از حیث قدمت چاپ تجدیدنظر لازم خواهد شد. در عصر حکومت محمد شاه و ناصرالدین شاه گزارشی از اوضاع عمومی اصفهان به وضعیت کاغذ، صحافی و تولید کتاب اشاره‌گذاری دارد. میرزا حسین تحویلدار، نویسندهٔ آن گزارش، می‌گوید از قدیم در اصفهان کارخانهٔ کاغذسازی بزرگی دایر بوده و چند نوع کاغذ تولید می‌کرده است، اما در دورهٔ او (= عصر ناصری) درست‌گردش نمی‌کند. اشارهٔ او به زوال و انحطاطی است که در برخی زمینه‌ها مشاهدات شخصی و عینی خود را دربارهٔ آنها باز می‌گوید.^۲ دربارهٔ احتمال وجود صنعت‌های تولید مواد و مصالح کتاب در دیگر شهرهای عمدهٔ ایران، اطلاع دیگری فعلاً به صورت منتشر شده نیست. در همان دوره‌ای که میرزا حسین تحویلدار اوضاع اصفهان را گزارش کرده است، به واسطهٔ تأسیس چند چاپخانه در تهران و رواج چاپ در این شهر، کتاب‌هایی تولید و منتشر می‌شد که پیش‌تر به آن اشاره شد، اما از تولید مواد و مصالح این صنعت، که در مقایسه با کشورهای دیگر هم‌جوار و هم‌سطح ایران، کم‌اهمیت هم نبود، اطلاع لازم برای بررسی دقیق‌تر فعلاً در دسترس نیست.

از نکات دیگری که از لحاظ تولید کتاب و تاریخ نشر دارای اهمیت است، رواج چاپ سنگی (لیتوگرافی) پس از چاپ سربی است. در مقایسه با تاریخ چاپ و تاریخ نشر کشورهای دیگر، در وهلهٔ نخست عجیب به نظر می‌رسد که چرا چاپ سنگی، حدود ده سال پس از ورود فن آوری چاپ با حروف سربی در ایران رواج یافته است؛ این علت در ادامهٔ مقاله توضیح داده خواهد شد. خسرو میرزا، پسر عباس میرزا، در سفرش به روسیه

۱. نک: افراسیابی، هما، «قدیمی‌ترین کتاب چاپ سربی در همدان در سال ۱۲۴۹ قمری»، پیام بهارستان، دورهٔ دوم، ش ۱ و ۲ (پائیز و زمستان ۱۳۸۷)، ص ۶۵۵-۶۵۶.

۲. تحویلدار، میرزا حسین، جغرافیای اصفهان (تهران، ۱۳۴۲ ش)، ص ۱۰۳-۱۰۵.

در ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م با طرز کار چاپ سنگی در آنجا آشنا شد و در سفرنامه‌اش به این آشنایی اشاره کرده است.^۱ البته در زمان عباس میرزا با فن آوری چاپ سنگی هم آشنا بودند، اما اینکه این فن آوری چگونه به ایران منتقل شد و ایرانیان در مقایسه میان این دو در آن زمان چگونه تصمیم می‌گرفتند، به بررسی‌های تطبیقی و دقیق‌تری نیاز دارد. بر پایه آثار منتشر شده و اطلاعاتی که از شیوه چاپ آنها به دست می‌آید، معلوم می‌شود که در ۱۲۴۸ ق، یعنی پس از گذشتن پنج سال از انتشار نخستین کتاب فارسی با چاپ سربی، در شهر تبریز قرآنی به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است.^۲ علت آن هم آشکار است: در فن آوری چاپ سربی آن زمان، نمی‌توانستند حروف را معرّب و مشکول چاپ کنند، و اگر این کار از لحاظ فنی هم ممکن بود، در عمل دشواری‌های بسیاری داشت. حال آنکه معرّب و مشکول کردن حروف در نسخه‌ای که خطّاط می‌نوشت، کار شاقی نبود. آن قرآن به خط میرزا حسین خوشنویس و بعد از آن نیز زادالمعاد به خط او، به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است.^۳

فن آوری چاپ سنگی هم از تبریز به تهران رسید و انتشار کتاب با این شیوه چاپ در این شهر آغاز شد. درباره نخستین کتابی که به این شیوه در تهران چاپ شد، نمی‌توان با قطعیت نظر داد. سید حسن تقی‌زاده می‌گوید دو کتاب معجم فی آثار ملوک العجم و تاریخ پطر کبیر نخستین کتاب‌های چاپ سنگی تهران، پس از تبریز بوده است.^۴ ظاهراً تاریخ چاپ در این دو کتاب قید نشده است، اما احتمال می‌دهند بعد از ۱۲۵۹ ق بوده باشد. در این سال، لیلی و مجنون، از مکتبی شیرازی، با چهار مجلس (تصویر) در تبریز چاپ شد.^۵ و اهمیت این چاپ از این نظر هم هست که چاپ تصویر و چاپ سنگی مصور در ایران با این کتاب آغاز شد و تحول تازه‌ای به بار آمد که توجه به آن به این دلایل در تاریخ نشر ایران دارای اهمیت است:

- در خوانندگان کتاب، احساس و ذوق تازه‌ای برانگیخت و اثر جان‌دار و مجسم، تأثیر دیگری گذاشت؛

- چاپ تصویر، مسیر تازه‌ای در تولید و نشر آثار بود؛
- علاقه خاص ایرانیان به خط نستعلیق خوش، که فن آوری چاپ سنگی به آن امکان

۱. افشار، مصطفی، سفرنامه خسرو میرزا (تهران، ۱۳۴۹ ش)، ص ۲۷۵.

2. Avery, Peter, "Printing, The Press and Literature in Modern Iran", in : *The Cambridge History of Iran* (C.U.P., 1971), vol. 7, p. 819.

3. *op cit*.

۴. تقی‌زاده، سید حسن، «چاپخانه و روزنامه در ایران»، ص ۱۲.

۵. نفیسی، سعید، «صنعت چاپ مصور در ایران»، پیام نو، سال ۲، ش ۵ (فروردین ۱۳۲۵)، ص ۲۷.

می داد، همراه با تصویر، توان دیگری از رسانه کتاب را نشان می داد و تأثیر الهام بخش آن، پی آمدهای خاص خود را داشت؛

- هنرهای تصویرگری و کتاب آرایی به صنعت کتاب راه می یافت. هم این هنرها زمینه دیگری برای رشد و شکوفایی به دست می آورد و مشاغل تازه ای در صنعت تولید کتاب ایجاد می شد و هم اینکه هنر در کتابخوانی و جلب کردن خوانندگان بیش تر تأثیر می گذاشت و پی آمدهای سودمند فرهنگی داشت؛

- در چاپ سنگی، غلط چاپی کم تر و امکان تصحیح بیش تر بود و از این رو، خوانندگان با اطمینان افزون تری کتاب های چاپ سنگی را می خریدند و می خواندند؛

گذشت از این جنبه های ذوقی، هنری و فرهنگی، عامل های اقتصادی - اجتماعی و فنی هم در ترویج چاپ سنگی مؤثر بود، زیرا چاپ سنگی تجهیزات کم تر، ساده تر و ارزان تری داشت و کارگر این چاپ در مدت کوتاهی فنون را می آموخت و نیازی به تخصص های پیچیده و متخصصان دوره دیده و تعویض قطعه های فنی دستگاه نبود. این صنعت با کارگر ساده و فن آوری بومی یا بومی شده به سهولت و با هزینه کم می چرخید و از این رو تا زمانی که شمارگان کم کتاب به نیاز بازار نشر پاسخ می گفت، کارگاه های کوچک چاپ سنگی، زیر نام های «چاپخانه»، «دارالطباعة»، «مطبعه»، «کارخانه» در تهران و تبریز و چند شهر دیگر پر شمار شد و وظایف نخستین صنعت نشر ایران را تا مدتی با کارآمدی انجام می داد.

چاپ سنگی در ایران، به عنوان محمل اصلی نشر کتاب، توانست به مدت بیش از نیم قرن برتری خود را بر چاپ سربی حفظ کند.^۱ این شیوه چاپ در عین حال بر جنبه هایی از هنر تذهیب، تشعیر، کتیبه سازی، سرلوح سازی، حاشیه سازی، مجلس آفرینی و شمار دیگری از هنرهای کتاب آرایی تأثیر گذاشت، هنرهایی که در تاریخ هنر ایران پیشینه ای کهن، غنی، و آفرینش گرانه داشت، اما با ورود صنعت چاپ به ایران با تهدید زوال روبه رو شده بود. ضرورت های فنی چاپ سنگی نیز سبب شد که در

۱. برای اطلاعات تفصیلی تر با توضیحات روشن گرانه، نک :

شیوه تحریر خط فارسی تغییرهایی ایجاد شود. در فن آوری این چاپ، چون نقش حروف از کاغذ به سنگ، و سپس از سنگ به کاغذ دیگری منتقل می‌شد و در انتقال مضاعف، درجه وضوح کلمات کاهش می‌یافت، نوعی به اصطلاح «چاق‌نویسی حروف» که پیش از آن در خط فارسی معمول نبود و خوش‌نویسان از آن پرهیز می‌کردند، در کتابت برای چاپ سنگی باب شد.^۱

چاپ سنگی به‌رغم مزیت‌هایش، محدودیت‌هایی هم داشت. این محدودیت‌ها در رقابت با فن آوری‌های دیگر چاپ، که در جهان غرب به سرعت در حال تحول بود و راه یافتن فنون عکاسی، فنون شیمیایی، فنون انتقال و تکثیر نقش، فنون مکانیکی و فنون دیگری به آن، بر توان آن می‌افزود و صنعت در حال رشد نشر، زمینه جذب آنها را فراهم می‌ساخت، به ناگزیر میدان را برای فن آوری‌های کارآمدتر و اقتصادی‌تر خالی می‌کرد. از سال‌های نخستین حکومت ناصرالدین شاه، حدوداً از ۱۲۷۰ ق، به مدت سی سال تا حدود ۱۳۰۰ ق که با اواخر سده ۱۹ م مقارن بود، چاپ سنگی در ایران در اوج شکوفایی خود بود و به سرمایه، پیش‌گامی، ابتکار و پشتیبانی عده‌ای و نیز به سبب سودآوری نسبی کار و کسب جدید کتاب، آثار نسبتاً بسیاری به شیوه چاپ سنگی در ایران منتشر شد.^۲ دستگاه‌های چاپ سنگی به‌طور متوسط ساعتی ۲۰۰ برگ تکثیر می‌کرد و با یک سنگ چاپ، تکثیر ۷۰۰ برگ، یا اندکی بیش‌تر، امکان‌پذیر بود و نیاز آن زمان هم به کتاب پیش از این شمارگان نبود. مهارت‌هایی که برای چاپ سنگی لازم بود، از این قرار است: خطاطی، نقاشی، تذهیب‌کاری، سنگ‌تراشی، تیزاب‌کاری، مرکب‌زنی، کاغذگذاری، چرم‌گذاری، غلتک‌کشی (یا چرخ‌کشی)، کاغذبرداری، لایه‌گذاری، و چند مهارت جزئی دیگر. استاد چاپ، برترین مهارت را در چاپ سنگی داشت و بر کار همه اجزای چاپ نظارت می‌کرد.^۳

۱. برای توضیحات فنی‌تر، نک: هاشمی دهکردی، حسن، «چاپ سنگی، حیات تازه‌ای در کتابت»، فصلنامه هنر،

ش ۱۲ (زمستان ۱۳۶۳ ش)، ص ۹۱ و ۱۰۵.

۲. صورت کتاب‌های چاپ سنگی در چندین منبع آمده است، از جمله: تربیت، مقالات تربیت، ص ۱۶۶ به بعد؛ میرزای گلپایگانی، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، ص ۴۴۵ به بعد؛ هاشمیان، هادی، فهرست کتابهای چاپ سنگی و سربلی کتابخانه تربیت تبریز (تبریز، ۱۳۸۶ ش)، ص ۱۷ به بعد؛ و ص ۶۳۹ به بعد.

Marzolf, Ulrich, *op.cit.*

۳. برای توضیحات بیش‌تر و نکات فنی‌تر چاپ سنگی، همراه با حکایت‌هایی شنیدنی از تاریخ چاپ در ایران، نک: جعفری، عبدالرحیم، در جستجوی صبح: خاطرات عبدالرحیم جعفری: بنیانگذار مؤسسه انتشارات امیرکبیر (تهران، ۱۳۸۳ ش)، فعلاً ۲ جلد، ج ۱، ص ۱۱۴ به بعد؛ برای جزئیات دیگر، نک: رئیس مبارکه، سهیلا؛ بابایی، محبوبه، مطالعاتی در تاریخ چاپ (تهران، ۱۳۷۸ ش)، ص ۷۶ به بعد.

چاپ سنگی در تبریز، تهران و چند شهر دیگر، نه تنها برای چاپ کتاب، بلکه برای چاپ نشریات، جزوه‌ها و اعلان‌ها هم به کار رفت و صنعت و حرفه آن طی چند سال شکل گرفت. کتاب‌های منتشر شده در ایران به شیوه چاپ سنگی، در مجموع و از جنبه‌های فنی، هنری، تبویب، تنظیم اجزا با کتاب‌های فارسی که در هند، عثمانی، ترکستان، افغانستان و مصر چاپ شده است، تفاوت‌هایی دارد و از ویژگی‌هایی از آن خود بهره‌مند است.

(فنون بنیادی چاپ سنگی را در چاپ افست می‌توان حفظ کرد. در پاکستان و نقاطی در هند که خط عربی با نشانه‌های خاصی برای زبان اردو به کار می‌رود، بسیاری از کتاب‌ها و حتی نشریات را با دست‌کتابت و به شیوه افست چاپ می‌کنند. نابودی چاپ سنگی در ایران و از یاد رفتن دانش‌های فنی و هنرهای آن، از زیان‌های بزرگ فرهنگی است. در جنبش‌های فرهنگی اروپا برای زنده نگاه داشتن و غنا بخشیدن سنت‌های پیشین، چاپ سنگی در مقیاس‌های محدودی به کار گرفته می‌شود. شنیده‌ام در سال‌های اخیر چند تن از هنرمندان ایرانی کتابدوست به کوشش‌هایی از این نوع دست زده‌اند. حفظ و تداوم سنت چاپ سنگی بدون پشتیبانی دولت و دانشگاه‌هایی که رشته‌های هنری با گرایش‌های کتاب‌آرایی دارند، میسر نیست. احیای چاپ سنگی، حتی در مقیاسی محدود، به رشد هنرهای مرتبط با آن کمک خواهد کرد، هنرهایی که بخشی از خلاقیت‌های هنر ایرانی با آنها متجلی شده است).

ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تقاضا و خواهش مجدد

یکبار دیگر از مشترکین گرامی خواهش می‌کنیم
وجه اشتراک عقب افتاده خود را بپردازند.
این مجله به پشتیبانی مشترکین ارجمند و دوستدارانش
منتشر می‌شود.